



ایل گویجی

نشریه قانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شماره ۱۱ - یائیز ۶۶

در این شماره:

- ✧ از کدام راه؟ با کدام تشکیلات؟ ۳
- ✧ با مقاومت در مقابل اعزام اجباری و اخاذی، تلاش مدیوچانه جنگ طلبان
راختنی کنیم ۱۱
- ✧ اخبار منطقه ۱۳
- ✧ اخبار خلقها ۱۶
- ✧ بلای اعتیاد ۱۷
- ✧ مشکلات دامداران ترکمن صحرا ۲۰
- ✧ "گلهن - ده بار دیر" شعری از مکتومقلی فراغی ۲۱
- ✧ "ترکمنها و وضعیت کشاورزی آنان در قرنهای ۱۸ و ۱۹ میلادی" ۲۲
- ✧ "فارسی شکر است" اما! ۳۱

اییل گوئیچی (قدرت خلق)
نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
دوره دوم سال سوم شماره ۱۱ پائیز ۶۶

احیرا " نشریه‌ای بنام ترکمنستان
 انتشار یافته است • منتشرکنندگان
 این نشریه آنرا ارگان کانون فرهنگی
 سیاسی خلق ترکمن اعلام داشته‌اند •
 همانگونه که معلوم است ارگان کانون
 فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن
 نشریه "ایل گویجی" (قدرت خلق)
 می‌باشد که اکنون یازدهمین شماره
 دوره جدید آن انتشار مییابد و

از کدام راه؟

با کدام تشکیلات؟

از جمله مسائلی که اهمیت خاصی
 را برای کشور کثیرالمنله ما ایران
 داراست ، چگونگی حل مسئله ملی و
 دقیقتر گفته باشیم ، چگونگی رهایی
 خلقهای تحت ستم میهن مان از زیر
 یار هرگز ستم مییابد • در رابطه
 با این مسئله مشخص ، تجارب
 جهانی سرشار از دستاوردهای
 موفق و ناموفقی است که امروز میتوان
 با استناد به این تجارب ، به درك
 درست و علمی از مسئله ملی و چگونگی
 حل آن دست یافت •

این مسئله نیز همچون دیگر
 مسائل اجتماعی در جوامع طبقاتی
 از چارچوب د و نگرش کاملاً " متمایز
 و متضاد خارج نمیکردد • یکی
 درکی است متعلق به طبقات استثمار-
 گر که با تکیه بر حفظ مناسبات غارتگر-
 انه ، حل سئدی ملی را در جهت
 استثمار انحصاری زحمتکشان ملت
 خود میرد تعبیر قرار میدهد و دیگری
 درك زحمتکشان است که رهایی ملی
 و رهایی اجتماعی را در هم تنیده
 میداند و در عین مبارزه بر علیه همه

هرچه مستحکم تر باد پیوند کارگران، دهقانان و زحمتکشان

عام است که حق عمه ملل در تعیین سرنوشت خویش را حق مسلم آنان میدانیم. تنها با به رسمیت شناختن این حق است که امکان رشد آزادانه و شکوفایی همه جانبه ملل فراهم می آید. تحقق عملی همه اینها با وجود حاکمیت طبقات استثمارگر در جامعه ناممکن است. برقراری نظامی دموکراتیک و عادلانه است که امکان میدهد، خلقهای کشور در محیطی سرشار از یگانگی و برابری و برادری به ایجاد زندگی نوین و عاری از هرگونه ستم و استثمار بپردازند.

واقعیت عینی این است که در کشور ما، که اقتصادی واحد در تمامی سطوح کشور غالب شده، خلقها از حالت انزوا و پراکندگی خارج گردیده و آنچنان پیوندی میان آنان برقرار گردیده است که سرنوشت عمه آنان در پیوند تنگاتنگی با یکدیگر قرار گرفته است و حل مسئله یکی بدون حل مسئله دیگری غیر قابل تصور است.

بر بستر این درک وحدت خلقهای کشورمان در یک راستای هدفمند و واحد، از ابزار مهم تحقق اهداف

اشکال ستم و استثمار، بر علیه ستم ملی نیز پیکار میکند. اساس فکری استثمارگران مبتنی است بر اصول غیر علمی و نژادی سلطه ملت "عالی" بر ملت "پست" و ایجاد خصومت و تفرقه میان خلقهای کشور. در واقع طرح مقوله ملت و رشد فرهنگ و خود آگاهی ملی از سوی بیرونازی که در عین حال نکات مثبتی را در کل داراست، تنها از زایسه استثمار زحمتکشان "خودی" بوسیله استثمارگران "خودی" و ایجاد شرایط برای رشد سرمایه داری محلی قابل تبیین است. اما زحمتکشان در ارائه راه حل این مسئله از آن اصلی پیروی مینمایند که بنیان آن را برابری و برادری و حقوق مساوی خلقها در کلیه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی برادرانه کارگران و زحمتکشان صرف نظر از تعلقات ملی آنها تشکیل میدهد. زحمتکشان در راه لغو هرگونه تبعیض و برتری یک ملت بر ملل دیگر و آنچنان شرایطی که در عین حال رشد و اعتلاء فرهنگ و هنر و میسر است ارزشمند ملی را تامین نماید، میرزمند. ما به تبعیت از این اصول

انکار ناپذیر الهام میگیرد که هم تجارب بیشمار جهانی و هم تجربه انقلاب بهمن، حقانیت آن را به اثبات رسانده است. تجارب بی- شمار ما نیز در ترکمن صحرا بطور قانع کننده‌های نشان میدهند که جنبش خلق ترکمن تهادر همراه گردیدن با سیل حروشان توده‌های میلیونی کشورمان در یک راستای مشخص و هدف مند و با تجهیز به برنامه‌های انقلابی، امکان می‌یابد مجموعه‌ای از اقدامات عظیم را در مسیر منافع زحمتکشان تحقق ببخشد.

امروز میتوان با قطعیت تاکید نمود که سیر حوادث رومه رشد کشور- مان، بدون شك توده‌های میلیونی را یکبار دیگر به میدان مصاف خواهد کشاند. اما مسئله اساسی که امکان میدهد خلقهای کشورمان در پیوندی تنگاتنگ تر و مشخص تر و هدف مند تر حرکت نمایند، این است که آنان با چه سلاحی بایند وارد میدان کارزار گردند؟ در واقع این کدام خط مشی و برنامه است که حل قطعی مسائل خلقهای کشورمان را تضمین مینماید؟

این امر و پاسخ نسبت بدان که

و وظایف انقلاب آتی کشورمان میا- شد که وظیفه مقدم آن سرنگونی ج- ۱ و برقراری نظامی دمکرا- تیک و عادلانه است. به دیگر سخن امروز سرنوشت خلقهای کشور- مان را نمیتوان جدا از یکدیگر مورد بررسی قرار داد و تصمیم اینکه خلقهای کشورمان علیرغم تمایزات و سطح رشد اجتماعی- اقتصادی- اشان در روند مبارزاتی خویش فاقد منافع و اهداف مشترک می- باشند درکی است نادرست که تا دوام چنین بینشی جز به تقابل کساندن خلقهای میهن مان و تضعیف جبهه انقلاب حاصل دیگری نمیتواند داشته باشد. در واقع امروز همراه شدن زحمت- کشان میهن مان در یک کانال مشترک خصیصه اصلی میزان سطح رشد جامعه مان است و درست بهمین خاطر تلاش در جهت متشکل نمودن زحمتکشان کشور در یک تشکل سراسری و نه تشکل های جدا- گانه و ملی از جمله مهمترین وظایفی است که فراروی انقلابیون ایران قرار دارد.

تاکید ما بر این امر از آن اصل

امروز در واقع محوری ترین اختلاف نظر ما با گردانندگان نشریه ترنمن-ستان است؛ در آئینده جنبش ملی ، دمکراتیک و انقلابی خلق ما جایگاه مهمی دارد .

مطالب عنوان شده از سوی نشریه ترکمنستان ، اساساً " پدیده نوینی در مبارزه خلقهای تخت ستم در کشور های مختلف نیست و همانطور که پیشتر اشاره نمودیم ، در این عرصه نیز همچون دیگر عرصه های حیات اجتماعی در کنار درک انقلابی از مسئله ملی ، ما با درک دیگری همواره روبرو بوده و هستیم که در ادبیات سیاسی متعلق به ناسیو- نالیزم بورژوازی است . از آنجا که تجارب ناموفق بسیاری در عرصه مبارزات خلقهای کشورهای مختلف که از سوی ناسیونالیست های بور-

ژوا رهبری میشدند وجود دارند ، ما لزومی بر مکث مفصل روی آنان نمی بینیم . تجربه اتحاد شوروی و اقدامات احزاب ناسیو- نال - بورژوازی تاکید قاطعی است بر آن که تلاش در جهت جدایی تعینعی خلقهای کشور و محروم نمودن زحمکشان ، خلقها از یک

برنامه انقلابی واحد و اقدام به تشکیل تشکل های ملی - ناسیو- نالیستی ، حاصلی جز تضعیف ، مبارزات خلقها و انحراف و نهایتاً شکست آنان نداشته و نمیتواند داشته باشد .

ما با ذکر این نکات در صدد نشان دادن آن هستیم که راه حلی را که این جریان در حل مسئله ملی خلق ترکمن ارائه میدهند ، تجربه آزمودنیست که برای رهروان آن حاصلی جز شکست بیار نخواهد آورد . گردانندگان نشریه ترکمنسان ، در واقع با طرح " مبارزه پیشروان ملت " در صفت تشکیلات مستقل خود ، نهدر جهت نزدیکی خلقهای میهن مان که در مسیر جدائی و پراکندگی و محروم ساختن آنان از برنامه ای انقلابی گام برداشته اند . تکیه بر " تشکیلات مستقل پیشروان ملت " هیچ معنی دیگری جز در غلطیدن به مواضع " جریانات بورژوازی ندارد و این انحراف عظیم را نمیتوان با طرح شعارهای پر زرق و برق پنهان کرد . آنکه در عمل از جنبش سراسری طبقه کارگر منفصل میشود و فرمول

شناخته شده و عمیقاً " بورژوا - نا - سیونالیستی " شکل مستقل پیشروان ملت " را مطرح میکند ، با هر حرفی د زیاره ضرورت پیوند با جنبش سراسری فقط خصلت عوامفریبانه شعارهای خود را بر ملا میسازد . تجربه گذشته پیش روی ما قرار دارد . دستاورد همسای عظیم جنبش خلق ترکمن تنها در سایه پیوند مستحکم آن با جنبش سراسری طبقه کارگر ایران و نقش رهبری کننده جنبش سراسری بر جنبش ملی قابل حصول و تثبیت بود .

بررسی فراز و نشیبهای جنبش خلق ترکمن جدا از روند کلی و عمومی انقلاب کاملاً " خطاست و برافراشتن پرچمی دینر و طفره رفتن از پرداختن به علل عینی و ذهنی دستاوردها و شکست های جنبش خلق ترکمن هیچ نامی جز توجیه اقدامات انشعاب طلبانه و انحلال گرایانه نمیتواند داشته باشد . پیوند جنبش خلق ترکمن با جنبش طبقه کارگر که در عین حال دارای کمی و کاستی و اشتباهات خود بود ، توانست در زمانی نه چندان طولانی نقش شایان توجهی را در ارتقاء درک طبقاتی و

خود آگاهی ملی خلق ترکمن ایفا نماید . این پیوند یکبار دینراپین حقیقت مسلم تاریخی را ثابت کرد که تنها طبقه کارگر ایران است که علیه همه و هر گونه ستم از جمله ستم ملی بطور پیکیر مبارزه میکند و تنها اوست که از منافع دهقانان پیکیرانه دفاع میکند . این یا آن خطای پیشاهنگ را وسیله توجیه انفصال از جنبش سراسری و افتتاح دکان " تشکیلات مستقل پیشروان ملت " قرار دادن ، تنها بیانگر کور دلسی ناسیونالیستی و عوامفریب بودن کسانی است که به این راه خطرناک گام نهادند . در همان مقاطع انقلاب بود که انجمن هائی " مستقل " و صد البته مدافع " ملت " که سنگه خلق ترکمن را به سینه میزدند ، اما آنها نه تنها نتوانستند کوچکترین اقدامی را در جهت منافع خلق ترکمن بعمل آورند ، بلکه عموماً از حمایتهای بیدریخ رژیم سرکویگرج ۱۰۰ نیز برخوردار بودند . در گذشته های دورتر هم ، زمانی امثال جنید خانها به نام خلق ترکمن و ایجاد دولت مستقل ملی ترکمن سرور صدای بپا کردند ولی دیدیم که سرانجام از کجا سر

شناخته شده و عمیقاً " بورژوا - نا - سیونالیستی " شکل مستقل پیشروان ملت " را مطرح میکند ، با هر حرفی د زیاره ضرورت پیوند با جنبش سراسری فقط خصلت عوامفریبانه شعارهای خود را بر ملا میسازد . تجربه گذشته پیش روی ما قرار دارد . دستاورد همسای عظیم جنبش خلق ترکمن تنها در سایه پیوند مستحکم آن با جنبش سراسری طبقه کارگر ایران و نقش رهبری کننده جنبش سراسری بر جنبش ملی قابل حصول و تثبیت بود .

بررسی فراز و نشیبهای جنبش خلق ترکمن جدا از روند کلی و عمومی انقلاب کاملاً " خطاست و برافراشتن پرچمی دینر و طفره رفتن از پرداختن به علل عینی و ذهنی دستاوردها و شکست های جنبش خلق ترکمن هیچ نامی جز توجیه اقدامات انشعاب طلبانه و انحلال گرایانه نمیتواند داشته باشد . پیوند جنبش خلق ترکمن با جنبش طبقه کارگر که در عین حال دارای کمی و کاستی و اشتباهات خود بود ، توانست در زمانی نه چندان طولانی نقش شایان توجهی را در ارتقاء درک طبقاتی و

در آوردند .

نگریستن به مسائل انقلاب از زاویه تنگ منافع صرف یک خلق ، آن گرایش محدود و تنگ نظرانه ی است که در بهترین حالت به جدایی مبارزات آن خلق از روند عمومی مبارزات کشور خواهد انجامید .

گردانندگان نشریه ترکمنستان ، برای سرپوش گذاشتن به عمل واپس گرایانه " خود یک رشته شعار دموکراتیک و انقلابی را مطرح نموده اند که به زعم آنها باید بوسیله " مبارزه پیشروان ملت در تشکیلات مستقل خود " متحقق گردد . انتشار نشریه و دادن شعارهای زیبا امروزه و در خارج از کشور کار دشواری نیست . مسئله دشوار ارائه برنامه ای عملی و مشخص برای تحقق شعارهاست .

برنامه های که بتواند احساسات روبه بیداری و بیدار شده " ملی " توده های خلق ترکمن را در خدمت تامین دموکراسی ، عدالت و مساوات به خدمت گیرد ، بر وحدت منافع کارگران ، دهقانان و زحمتکشان سراسر کشور تکیه کند ، و مبارزه این یا آن خلق تحت ستم را با جنبش سراسری پیوند زده ، راه پیروزی قطعی و بر-

گشت ناپذیر را بگشاید . و هم در اینجا است که بی پایه بودن نظرات و خصلت عوامفربایانه شعارهای نشریه مذکور برملا میشود . آنکه سنگ بنا را بر " تشکیلات مستقل پیشروان ملت " میگذارد ، مستقل از هر نیتی که داشته باشد ، در میان خلق ترکمن با اندیشه های ناسیونالیستی و حصار کشی کاذب ، به جزیانات بورژوازی خدمت میکند و در میان سایر خلقهای ایران و بویژه خلق فارس برای پذیرش اندیشه های شونیستی - بورژوازی فارس زمینه سازی میکند .

نشریه ترکمنستان قادر به درک میزان هم پیوندی و درهم آمیزی خلق های ایران و جغرافیای سیاسی جهان امروز نیست . و استناد آن به آثار مفاخر ملی خلق ما از جمله مختم قلی نیز با درکی سطحی و آلوده به ناسیونالیسم صورت می پذیرد . تردیدی نیست که امثال مختم قلی که با سری پر شور از وحدت قبائل مختلف خلق ترکمن در سرزمینی واحد و تشکیل دولت مستقل و ملی دفاع میکردند ، مردانی بزرگ و از جمله افتخارات خلق ما به شمار میروند و کانون فرهنگی - سیا-

اگر مختم قلبی ها در دنیائی دیگر
 و بسیار متفاوت با امروز^۲ تشکیل
 دولت ملی و استقلال سرزمین خلق
 ترکمن^۳ را آرزو میکردند، امروز وظیفه
 ما پیشروان انقلابی خلق ترکمن نهباز
 نویسی صرف این آرزوی نیک^۴،
 بلکه جذب هسته اصلی و درست آن
 یعنی مبارزه بر علیه ستم ملی است
 به رسمیت شناختن حق تعیین
 سرنوشت خلقهای تحت ستم و پا -
 فشاری بر وحدت همه^۵ خلقهای کشتی
 د و روی سکه سیاست اصولی در
 برخورد با مسئله ملی است و آنگاه
 که این سیاست بخواهد در عمل
 پیاده شود وظایف تبلیغی و ترویجی
 متفاوتی را در مقابل پیشروان انقلاب -
 بی در میان خلقهای تحت ستم و
 خلق حاکم قرار میدهد. وظیفه
 پیشرو در میان خلق حاکم ترویج و
 تبلیغ جنبه اول این سیاست یعنی
 تکیه بر حق تعیین سرنوشت و متقاعد
 کردن توده های خلق حاکم به
 پذیرش بی قید و شرط این حق برای
 خلقهای تحت ستم است و لسی
 پیشرو در میان خلق تحت ستم جنبه
 دیگر این سیاست را برجسته میکند
 و در تبلیغ و ترویج خود بر ضرورت

سی خلق ترکمن برای معرفی ایمن
 بزرگان به نسل امروز خلق ترکمن و
 سایر خلقهای ایران مسئولانه کوشید^۶
 و می کوشد. اما در عین حال با
 دفاع عقب مانده از این پیش کسوتان
 و سوء استفاده از آثار آنها در خد -
 مت ترویج خرافات ناسیونالیستی
 مبارزه میکند.
 فردوسی بدون تردید یکی از مفاخر
 بزرگ فرهنگ و ادب فارسی است و هنوز
 هم انقلابیون ایران از
 بسیاری از اشعار حماسی و
 انسانی او در خدمت روشن ساختن
 اذهان توده ها بهره میگیرند و بر مقام
 شامخ او در تاریخ ادب ایران ارجح
 می گذارند. اما فراموش نکنیم که
 افراطی ترین شوونیستهای فارس هم
 خود را مدافع آثار فردوسی میدانند و
 در بار پهلوی در راس شوونیستهای
 فارس جشنهای متعدد گرامیداشت
 فردوسی بر دزاری میکرد و از شاهنامه
 در خدمت تئوریزه کردن شوونیسم فارس
 به افراط سوء استفاده میکرد. و روشن
 است که تفاوت دفاع انقلابیون ایران
 از فردوسی و شاهنامه با دفاع شاه -
 پرستان شوونیست، از زمین تا آسمان
 است.

جدی و انقلابی در شرایط بغرنج جامعه ما و در شرایطی که جریان انقلابی از هر روزنه‌ای برای ضربه زدن به جنبش انقلابی، ایجاد شکاف در آن و جذب عناصر ماجراجو به صفوف خود بهره می‌جویند کاری نیست که از عهد همگان برآید. و یک نگاه اجمالی به نشریه ترکمنستان که در شعار اصلی خود در طی دو شماره از "ترکمن صحرا" تا "ترکمنستان ایران" و ترکمنستان "نوسان کرده است، حد جدی و مسئول بودن گردانندگان نشریه را منعکس می‌سازد و این حقیقت را اثبات میکند که انتشار این نشریه نه آنگونه که مدعی شده‌اند، از سر احساس مسئولیت و برای پاسخ به ضرورت‌های زمانی، بلکه بیشتر به منظور بازی با احساسات و تمایلات ناسیونالیستی پاره‌ای از روشنفکران ترکمن و کشاورزان دکان تازه سیاسی، صورت گرفته است. و طبیعی است که روشنفکران متعهد و مسئول خلق ترکمن اینگونه حرکات فرقه‌درایانه و غیرمسئولانه را با قاطعیت تمام محکوم کنند و باحاطه ملان‌اندیشه‌های انحرافی قاطعانه مبارزه نمایند ●

تحکیم پیوند با سایر حلقه‌های پای می‌فشرد، و نه در راستای تقویت گرایش‌های جدایی طلبانه، بلکه در جهت منزوی کردن این گرایش‌ها و همگانی کردن اندیشه یگانگی خلقها مبارزه میکند. آیا نشریه ترکمنستان میتواند ادعا کند که با طرح مسائلی از قبیل "استقلال سر-زمین خلق ترکمن و تشکیل دولت ملی" و "لواز زبان محتم قلی-در راستای سیاست انقلابی گام برداشته است؟ و آیا نشریه انتشار نشریه و ایجاد دکان "مستقل" در شرایطی که "کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن و نشریه ایل گویچی در راستای پیشبرد این سیاست اصولی مبارزه میکنند و در راه کانون نیز همواره به روی هم رفته روشنفکران انقلابی و پیشروان خلق ترکمن گشوده بوده و هست، خود نشانه فاصله گرفتن از سیاست اصولی و انقلابی نیست. ما گردانندگان نشریه ترکمنستان را به تعمق بیشتر در راهی که برگزیده‌اند فرا می‌خوانیم.

"جریان سازی" در خارج از کشور کار آسانی است. اما پایه گذاری یک جریان سالم، اصیل،

بامقاومت در مقابل اعزام اجباری و اخذی، تلاش مذبوحانه جنگ طلبانه را خنثی کنیم

فقط در خدمت فریب توده‌ها، سرپوش‌گذاران به بحران حکومتی و سرکوب اعتراض مردم علیه وضع اسفناک کشور است. ملایان مرتجع میخواهند از روحیه ضدامپریالیستی مردم سوءاستفاده کنند. اما کیست که نداند رژیم برای ادامه جنگ بیش از پیش به آمریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی تکیه کرده و میکند.

هنوز تصویر رسوایی ایران گیت که بیانگر منافع مشترک د و رژیم است از اذهان توده‌ها پاک نشده فقیه مرتجع ندای ضد آمریکائی سر میدهد. اما مردم آگاه و زحمتکش ترکمن صحرا فریب شیادانی را که دیروز در کنار آمریکا نشستند و معامله وطن فروشانه کردند، نخواهند خورد و خوب میدانند این جنجالها فقط برای عوام فریبی و گرم کردن تنور جنگ است.

مردم مبارز ترکمن صحرا

بیش از ۷ سال از جنگ هستی سوز ایران و عراق را پشت سر نهادهایم. هفت سال جنگی که صدها هزار جوان وطنمان را به کام مرگ کشیده و دهها شهرو روستا را به تلی از خاکستر تبدیل نموده و اقتصاد وطنمان را فلج و میلیونها نفر از هموطنانمان را آواره و بیخانمان کرده است. حکومت سیاهپوشان به بهانه جنگ حراستها و مطالبات کارگران، زحمتکشان و دهقانان را پایمال نموده، بسی سابقه‌ترین خونریزی و اختناق را در کشور ما برپا کرده است. رژیم اسلامی پس از گسیل نیروهای امپریالیستی به خلیج فارس بار دیگر می‌کوشد جنگ آمریکا خواسته را به اصطلاح ضد امپریالیستی وانمود سازد. جنجال تبلیغاتی رژیم

خلق قهرمان ترکمن

امروز که رژیم اسلامی، دشمن زحمتکشان، دست زمینداران را در منطقه بازگذاشته و از تمام امکانات خود برای بازپس گیری زمینهای مصادره شده علیه دهقانان زحمتکش استفاده میکند و بهترین فرزندان شما را در تارک خانه های مرطوب خود به بند کشیده و اعضای شورا های انقلابی و منتخب زحمتکشان روستا را اعدام یا اسیر میکند؟

امروز که هیچ امنیتی برای کارمندان و دانش آموزان نمانده و همه آنها محکوم به سوختن در کوره های آتش جنگ هستند؟

امروز که زیر سایه رژیم ضد ملی و تاریخ خشی ها و کمانچه نوازندگان به آتش کشیده میشود و هنر نشان ملی کور میگردد و رژیم به اصطلاح اسلامی حتی از ستم مذهبی به شما روی گردان نیست؟ باز هم می بینیم که برخی امام جماعت های با جیره و بی جیره منطقه که چشم بر تمام این ستمها و سلاخی ها بسته اند، همگام با رژیم ضد مردمی

و خونریز و آدامکش خمینی، زوزه پیشر به سوی جبهه ها را میکشند خلق قهرمان ترکمن؟

ماکی و چگونه به این مرتجعین نقش قیمومیت دادیم که امروز از طرف ما به امام رویاه صفتان پیام پشتیبانی می فرستند و از آمادگی امت یک پارچه ترکمن برای اعزام به جبهه ها لاف می زنند. به زوزه های امام جماعت های مرتجع گوش فراندید آنها دوستان حمینی و دشمنان شما هستند آنها اگر راست می گویند خودشان به فرمان شورای پشتیبانی جنگ لبیک بگویند و خود را در تیر جنک بسوزانند. هوشیار باشیم آنها مرک را برای ما میخواهند و زندگی را برای خود. به جبهه جنگ نرویم و جبهه های جنگ را خالی کنیم. به جنگ طلبان پول ندهیم. در راه صلح با تمام قوا مبارزه کنیم.

نابود باد جنگ زنده باد صلح
ننگ و نفرت به دشمنان خلق
سرنگون باد رژیم جنگ افروز و مستبد
جمهوری اسلامی خمینی

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی

اخبار منطقه

در مجاورت روستای گامیشلی
 یلغی آق قلا محل زندگی عده‌ای از
 کارگران کشاورزی سیستانی می‌باشد.
 آنها بعد از انقلاب بهمن به کمک
 کانون و ستاد زمینهای زمیندار
 معروف فروزانفر (ساکن روستای
 سلاق یلغی) را مصادره کردند و در
 کنار زحمتکشان ترکمن آنها کشت
 نمودند. در این محل سیستانی
 نشین فردی بنام قریان فقیری
 (قریان برفی) که کشاورزی زحمت
 کش بود بعد از سالها کار و زحمت
 توانسته بود پولی برای ساختن خانه
 تهیه کند. او به ساختن خانه
 مشغول شده و بعد از اینکه چهار
 دیواری آنرا بالا می‌آورد برای تهیه
 حلب و تخته به ارثانهای حاکمیت
 مراجعه می‌کند.
 ارثانها دادن تخته و حلب را
 منوط به رفتن او به جبهه می‌کنند و
 او هم مجبور می‌شود به جبهه برود.
 بعد از مدتی جنازه این زحمتکش
 را تحویل زن و بچه‌اش میدهند.

کنید و اطراف آن با کمبود معلم
 مواجه است. بطوریکه در سال ۶۶
 - ۶۵ حدود ۲۰۰ کلاس در کنبد
 و روستاهای اطراف آن حالی است
 هم چنین امسال کتابهای درسی
 خیلی دیر به مدارس رسید بطوریکه
 کتاب علوم کلاس پنجم ۶-۵ ماه بعد
 از آغاز سال تحصیلی رسید.

* * *

آق قلا: در مهرماه در رابطه با
 سالگرد جنگ مانوری با شرکت ارتش و
 سپاه در صحرای شمال آق قلا
 صورت می‌گیرد. در این مانور
 ۲۰۰۰۰ لیتر بنزین و حدود ۴
 میلیون تومان پول خرج می‌شود. در
 رابطه با این مانور نیز سپاه از مغا-
 زه داران و دستفروشان با زور پول
 جمع می‌کنند. شیوه حرکت نیز بدین
 قرار بود که در دو سمت خیابان اول
 یک گروه قبض ۵۰۰ تومانی برای هر
 مغازه می‌دهد و در برابر آن پول
 می‌گیرد. مغازه دارانی که ۵۰۰
 تومان را نمدادند گروه دوم که در
 دو سمت خیابان از پشت سر گروه اول
 و مسلح حرکت می‌کردند قبض ۱۰۰۰
 تومانی ساد می‌کردند. در ضمن در
 این یورش دست فروشان نیز در امان

کنترل هر چه بیشتر نیروهای جوان و هواداران سابق فدائیان مطرح میشود، بعد از جلسه در کمشده و حواجه نفس و بند رترکمن کنترل بیشتری صورت میدیرد. اردانهای رژیم افراد معلوم الحالی رامسلح کرده و شب نشینی های جوانان روستا و شهرها رازیر نظر دارند.

درکنبد و بند رترکمن تعدادی از افراد شهرانی را احراج یا باز خرید یا بازنشسته کرده اند. شایع است که کمیته را میخواستند جانشین شهرانی کنند.

درخواجه نفس تعدادی از جوانان که برای گذراندن وقت بیکاری خود شب در مغازه های نشسته و موسیقی گوش میدادند توسط سپاه دستگیر شده به کمیشان برده می شوند و در آنجا بعد از ضرب و شتم نیمه شب آنها را با پای پیاده به طرف حواجه نفس میفرستند.

نماندند و از آنها نیز بیسکویت و را با زور گرفتند. حدود دو هفته پس از این مانور و چوپان هنگام چراندن کوسفندان خود در محل مانوریک نارنج عمل نکرده پیدا میکنند و از آنجائی که نمیدانستند چیست پس از اینکه با چوب دست ضربه ای به آن وارد میکنند نارنجک منفجر شده هر دو به هلاکت میرسند.

سپاه پاسداران ضد انقلاب در رابطه با کمک مالی به جبهه در چند ماه گذشته حدود ۵۰۰ اسر کوسفند از مردم جمع آوری کرد. وجهاد ویرانی نیز با زور پول جمع مینمود. کسانیکه مخالف دادن پول بودند بعدت ۲۴ - ۴۸ ساعت بازداشت می شدند تا پول را بپردازند.

آشوراده: حدود مرداد ماه مسئولان امنیتی رژیم (ساواجبا) جلسه ای در آشوراده از توابع بندر ترکمن تشکیل میدهند. در این جلسه مقامات امنیتی استان نیز شرکت کرده بودند و مسائل از قبیل

ازنامه‌ها:

قالیباقی هستیم که در روستای
سغریلی آق قلا با ۴ بچه‌ام که یکی
از آنها به مدرسه میرود زندگی میکنم.
وضع تهیه نامه قالی خیلی سخت
شده است بعد از تهیه خانه د و
سه نفری مشغول کار میشویم حد د و
۷۰ - ۸۰ روز روی قالی کار میکنیم
و بعد از تمام شدن کار قیمت
خامه و بقیه مخارج را داده بطور
متوسط روزی ۹۰ - ۸۰ تومان در
ازای ۱۵ - ۱۴ ساعت کار دستمان
را میدیرد. باید دنبال دلال و مشتری
پیدا کنیم تا قالیهایمان بفروش برسد.
آخوندها بعد از انقلاب حرفهای
در باره حمایت از زنان زحمتکش
میزدند که همه‌اش دروغ از آب در-
آمد. تنها کاریکه آخوندهای نوکر
صفت ترکمن در مجالس و نماز جمعه
بلدند بگویند اینستکه زنان زحمت
کش چرا به پنج شنبه بازار می‌آیند
خرید بکنند. این آخوند ها که
زنان خودشان معنی نداشتن را
نمیدانند. آنها نمیدانند که ما
اگر قالی نبافیم چطور میتوانیم چرخ
زند لیمان را بچرخانیم. ما مجبور-

یم برای تهیه دفتر و مداد بچه -
هایمان شب و روز کار کنیم تا آنها
مثل ما از تحصیل محروم نباشند.

کشاورزی هستیم ۲۵ ساله که حد د و
۲ هکتار زمین آبی دارم و چند هکتار
زمین را از زمینداران نصف نصف میکنم
(کار روی زمین و کشت و برداشت از
من و خرجهای از قبیل سمپاشی
نصف نصف میاشد)
من امسال حد د یک هکتار
هنداوانه و خریزه کاشتم که چیزی
دستم را نگرفت یعنی بعنوان مثال
یکبار مزد اوانت را کرایه کرده محصول
را با یکی از دوستانم به لرگان بردیم
در میدان بار پس از چند ساعت بار
خود را فروختیم بعد از فروش کرایه
ماشین را ادا م و پول باقیمانده فقط
کفاف ناهار سه نفر را میداد. این
است حرفهای این آخوندها که میگفتند
ما طرفدار کشاورز هستیم. واقعا هم
دوست دارند که ما را بیچاره کنند!
محصولات ما را به هیچ نمی‌خرند و
وسایل کشاورزی از قبیل موتور سمپاشی
موتور آب و سوخت و غیره را بعد از
هزاران دوندگی و بدبختی میتوان
تهیه کرد.

اخبار خلقها

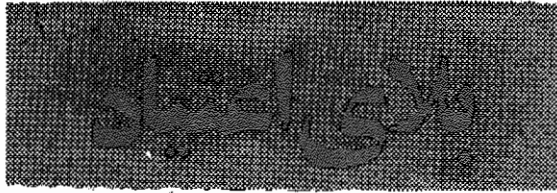
در مرداد و شهریور ماه سال جاری
جهاد سازندگی کشاورزان نخلدار
بلوچستان را مجبور به فروش محصول
خرما به قیمت ارزان به دولت نمود.
همچنین مامورین جهاد به هریک
از نخلداران چند کارتن حالی داده
بود که آنرا مجاناً " برای کمک به
جبهه‌های جنگ پرکنند "

در اواسط مهر ماه یک پاسگاه
ژاندارمری در سراوان توسط مردان
مسلح بلوچ مورد حمله قرار گرفت.
که در جریان این حمله ۲ تن از
ژاندارمهای مستقر در این پاسگاه
به هلاکت رسیدند.

بولتن خبری شماره ۸۸ احزاب
د مکران در استان ایران تشکیلات
اروپا خبر میدخدا که در ۷ مهرماه
سال جاری پیشمرگان کمیته‌های این
حزب در مهاباد و موکان طرح
عملیاتی نظامی مشترکی را اجرا کردند.
در این عملیات گردان ضربت امام
حسن یکی از مراکز تجمع مزدوران رژیم
ضد خلقی ج ۱۰ که سرپرستی و
فرماندهی ۲۵ پایگاه منطقه را در
کردستان بعهده داشت، در هم کوبیده
شد و به تصرف پیشمرگه‌ها درآمد.
در این حمله ۱۲۷ نفر از عوامل
رژیم خمینی کشته شدند و ۷ نفر به
اسارت نیروهای پیشمرگه درآمدند.
همچنین مقدار زیادی اسلحه و
مهمات به غنیمت گرفته شد.



مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر کشور



هم اکنون به هر نقطه‌ای از ترکمن صحرا از دوردست‌ترین نقاط ، از دوردست‌ترین روستاها گرفته تا شهرهای بزرگ بنگرید می‌توانید آثار و نشان اعتیاد این بلای خانمانسوز را ببینید .

اعتیاد در سطح ترکمن صحرا بقدری دسترده است که تاکنون سابقه نداشته است . هر روزی که رژیم خمینی ، حیات شوم خود را ، سیاست‌های ارتجاعی‌اش را و جنگ طلبی‌اش را ادامه می‌دهد به همان نسبت فساد و تباهی و سیاهی و بدبختی در بین مردم بویژه جوانان دسترش می‌یابد . اعتیاد باعث تلاشی شدن هزاران خانواده و باعث گسترش فساد و بی بندوباری و باعث جنایات بی شماری گردیده است . سپاه و کمیته هیچ اقدامی در رابطه با جمع‌آوری و معالجه معتادین نمی‌کنند . کسی که هروئین بکشد جرئت بسیار کمتر از کسی است که مشروب بخورد . بارها و بارها مشاهده گردیده است که

برادر یا قوم و خویش کسانی به گشتهای سپاه یا کمیته مراجعه کرده و اطلاع داده و خواهش کرده‌اند که اکنون در فلان نقطه در حال کشیدن هروئین هستند ، شما آنها را دستگیر کنید یا لااقل تهدید به دستگیری کنید . ولی سپاه و کمیته توجهی ننموده و مشخصاً گفته‌اند که بما مربوط نیست . بعضی مواقع ساکنین محله‌ای که پاتوق معتادان شده به کمیته جهت شکایت مراجعه کرده‌اند و کمیته گفته که خودتان اقدام کنید ، معتادان را خودتان کتک بزنید . روستای چپلی در اطراف گنبد پاتوق جوانان گنبد جهت کشیدن تریاک گردیده است و روزانه چندین سرویس تاکسی تلفنی گنبد جوانان را به آنجا میبرد و حتی مشاهده شده که جهت رفتن به اطاق تریاک به نوبت در صف نیز ایستاده‌اند . هروئین براحتی در سطح شهرها و روستاها خرید و فروش میشود در این بین ضد انقلابیون افغانی نیز با

که به زاعدان ترکمن صحرا معروف شده است معتاد و یا عامل فروش مواد مخدر هستند. در آق قلا عمده قاچاقچیان و توزیع کنندگان مواد مخدر تحت حمایت برخی روحانیون و مقامات حکومتی به کار پخش مواد مخدر مشغولند.

کمیته مبارزه با مواد مخدر مستقر در دادگاه انقلاب نبد لانه و پاتوق قاچاقچیان مواد مخدر گردیده است. امثال آقای حسنی ها و قربان زابلی ها که با استفاده از مجوز دادگاه انقلاب و در پوشش آن بزرگترین معاملات هروئین را انجام داده و میدهند کم نیستند. رژیم ظاهرا نیز هزار گاهی تحت عنوان مبارزه با مواد مخدر تعدادی قاچاقچی را دستگیر و محاکمه و زندانی میکند. که بیشتر این افراد قاچاقچی های به اصطلاح دست دوم یا سوم و یا کسانی هستند که به اندازه کافی به باندهای ج ۱۰ فایده رسانده و آنقدر در این کار پیش رفته اند که حواجه حافظ شیرازی نیز فهمیده و مسئولین جهت تطهیر خود آنها را قربانی می نمایند ولی عاملین اصلی واردات و توزیع و پخش مواد مخدر یعنی گردانندگان

توجه به امکاناتی که ج ۱۰ در اختیار آنها قرار داده از عوامل اصلی پخش و توزیع میباشند. مصرف هروئین به قدری زیاد شده که مغازه های در رسید آباد گنبد در ویتترین مغازه اش زر- ورق های بریده شده به اندازه یک بار مصرف هروئین قرار داده می - فروشده. وقتی به او میگویند چرا ایسن کار را میکند. میدوید وقتی هروئین براحته فروخته و مصرف میشود و یکعه روزانه هزاران هزار تومان استفاده میکنند چرامن از این معرکه سودی نبرم؟ مصرف مواد مخدر حتی به نوجوانان نیز سرایت کرده است بطور نمونه در روستای ترجنلی حتی دانش آموزان که در ساعت تفریح یا ورزش در مدرسه بصورت ۲-۳ نفری هروئین می کشند مشاهده گردیده اند.

مشاهده زنان و دختران جوان که هروئینی شده اند کم کم عادی می - شود. در کمشرفه که تا قبل از انقلاب تعدادی انگشت شمار در بین پیرمردان معتاد به تریاک پیدا میشد اکنون به جرات میتوان گفت که اکثریت عظیم جوانان معتاد به هروئین هستند. بیش از ۵۰٪ جوانان و میانسالان روستای یامپی

وقتی هم که تعدادی مثلا ۷- ۶ نفر در جلویك مغازه جمع میشوند تا با هم صحبتی کنند و گپی بزنند آنها را به آنها مه‌ای مختلف گرفته و کتک میزنند .

تجربه چند سال به اصطلاح مبارزه رژیم با مواد مخدر بخوبی نشان میدهد که برای ریشه کن شدن ساختن این آفت هستی سوز، نباید به امامزاده و ولایت فقیه امید بست . جوانان انقلابی، مادران، پدران و همسران باید مبارزه با مواد مخدر را از جمله وظایف جدی خود تلقی نمایند . با ایجاد " انجمن‌های مبارزه با اعتیاد " و از طریق ایجاد امکانات برای تفریحات سالم، افشای بی عملی و همکاری مسئولین قضائی و انتظامی با قاچاقچیان و ترویج‌اند - انتظامی با قاچاقچیان و ترویج‌اندیشه - های انسانی و انقلابی و ایجاد امید به آینده با غول خانمان - برانداز اعتیاد مبارزه نمایند .

اصلی این فساد و تباهی مورد احترام و اکرام قرار می‌گیرند و در ناز و نعمت در زیر سایه رژیم ج ۱۰ زندگی میکنند . سران ج ۱۰ با افکار قرون وسطا - بی خود تحمل وجود افکار مترقی و آزاد یحواهانان در سطح جامعه ندارند و با ادامه لجوجانان جنگ و نابودی اقتصاد مملکت و عدم توان جذب نیروهای جوانی نه به سن کار می‌رسند لشکر بیکاران درست نمود هاند . گسترش فرهنگ مفتضح غربی و انسواع و اقسام نوارهای ضد اخلاقی ویدئو در ترکمن صحرا ، عدم وجود امکانات جهت تفریحات سالم و یکسری عوامل دیگر همگی دست بدست هم داده و با توجه به دستردگی وجود مواد محدود که راحت تر از نقل و نبات میتوان تهیه نمود ، باعث گسترش اعتیاد میگردد . عوامل ج ۱۰ کار را بجایی رسانده اند که در بعضی مناطق از جمله در خواجه نفس که امکانات تفریحات سالم جهت جوانان موجود نیست ،



یا شاسین پارا خاتچئلق یوق بولسن خمینی

مشکلات دامداران ترکمن صحرا

با فرا رسیدن فصل زمستان و تهی شدن مراتع از علوفه، مشکلات دامداران و بویژه دامداران کوچک ترکمن صحرا بیش از پیش افزایش می‌یابد. کمبود علوفه در منطقه از معضلات دامداران ترکمن صحرا بوده و می‌باشد. فقط در منطقه نوار مرزی صد هزار راس گوسفند نگهداری می‌شود که هیچ‌وقت مراتع منطقه کفاف این تعداد دام را نمی‌کند. بخصوص که مراتع سرسبز به علت بی‌توجهی دولت در حفظ و نگهداری آن روز بروز خطر نابودی قرار گرفته است. در رژیم شاه، مراتع منطقه در انحصار دامداران بزرگ و سرکتهای دامپروری و بویژه دامپروری ارتش بود و آنها با کشیدن حصار بدور این مراتع از استفاده دامداران دیگر بخصوص دامداران کوچک جلوگیری می‌نمودند. دولت فقط به دادن مقداری کنجاله و یا جو در فصل زمستان اکتفا می‌نمود که آن هم کفاف حداکثر یک ماه خوراکی

دامها را می‌نمرد. در رژیم خمینی ابتدا همین نیز قطع شد و اما اخیراً رژیم اقدام به کوبن بندی جو و شبوس برای دامداران نموده است. نصف دامداران برای دریافت این سهمیه‌های ناچیز به صد هاستر می‌رسد. برای گرفتن نوبت از نیمه شب در صف می‌ایستند و بعضی مراقب اصلاً چیزی گیرشان نمی‌آید. در سالهای اخیر مرگ و میر بر اثر کمبود امکانات دامپزشکی و دارو و هم چنین عدم تغذیه، افزایش یافته و متعاقب آن خیل عظیمی از دامداران خرد در نتیجه عدم حمایت مادی دولت به نابودی و فلاکت کشانده شدند. این دامداران ناچارند داروهای کمیاب و جو و کنجاله را با قیمت گزاف از بازار آزاد تهیه نمایند که این امر برای آنها مقرون به صرفه نمی‌باشد و به مرور مجبور میشوند دامهایشان را بفروشند.

بی‌ترجمی رژیم ارتجاعی ج ۱۰ به مسائل دامداران منطقه بقیه در صفحه ۳۸

مختوم قلی فراغی

”گدلدن - ده باردیر“

کوندده یوز مۆنگ گۆچ هم بولسا اول دنیا ،
اول مقدار بود نیا گلهن - ده باردیر ،
یوز مۆنگ آقماق بولوب گیتسه رایینسا ،
یوز مۆنگ اوزون یولا سالان - داباردیر .

یوز مۆنگ درویش سینه داغلاپ اوتسوران ،
ریاضتدا بیلین باغلاپ اوتسوران ،
نیچه یرده گۆرسنک ییغلاپ اوتسوران ،
یوز مۆنگ یرده بی غم گۆلهن - ده باردیر .

سهیران اتسه ننگ بد نیانینگ دؤرت بورچون ،
قارشیدیر حلال ، حرام ، ارواح ، جین ،
نیچه له رتمیز لاپ یول گیدرلر چین ،
نیچه یوز مۆنگ گمراه بولان - داباردیر .

اوغورسیز ایاملار ، آنکلاماز ارله ر ،
کاشکی سوران بولسا ساچایدیم دورلر ،
هانسی اول سلیمان ، رستم لهر ، شیرله رم ،
دییمانک ، بولسون ، سیپپ قالان داباردیر .

ماغتم قلی ، کونگله قایغی گتیرمه ،
بویرایش وقتیدیر ، اوزونک یتیرمه ،
”سوزوم آنکلان یوق“ دیپ ، اوم سوم اوتورما ،
جهان گینگدیر ، چندان بیلهن - داباردیر ،



ترکمن‌ها و وضعیت کشاورزی آنان در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی

(الف) اسکان ترکمن‌های ایران

در قرن‌های ۱۸-۱۹ میلادی طوایف ترکمن‌ها، محدود و وسیعی را که از شرق به رود جیحون و از غرب به دریای خزر و از شمال به مانقشلاق و خیه و از جنوب به کوه‌های خراسان منتهی میشد اشغال مینمودند. بخش اعظم این محدوده وسیع را صحرای قره قوم تشکیل میداد. همه این منطقه در ابتدای قرن ۱۸ میلادی "سرزمین ترکمن‌ها" نامیده میشد.

طبیعت سرزمین ترکمن‌ها بلحاظ مناظر خویش نسبتاً از یکدیگر متمایز میگردد. بجز قره قوم در این سرزمین مناطق وسیع کوهستانی و مناطق واقع در دامنه کوه‌ها و اوپه‌های (واحه) دارای رودخانه‌های کوچک و بزرگ وجود دارند. محیط جغرافیایی بالطبع تأثیرات خود را کاملاً بر زندگی و زیست و هستی و عادات و نظریات آنان برجای گذاشته است.

اطلاعات راجع به ترکمن‌های قرن ۱۸-۱۹ را میتوان عمدتاً در آثار و یاداشتهای سیاحان روسی و اروپایی و بخش‌های آثار تاریخدانان ایرانی و وقایع‌نویسان خیه‌های و بخارایی یافت. اما بسیاری از آنان تصورات سطحی و مبهمی را درباره ترکمن‌ها ارائه داده‌اند. بطور نمونه مولفین روسی مینویسند که "سرزمین ترکمن‌ها" صحرای غم‌انگیزی است که بندرت در آن حتی روئیدنی یافت میشود و در آنجا تنه‌ازندگی ناممکن است، بلکه عبور از آن نیز خطرناک میباشد.

آنطور که از اسناد نقشه برداری گروه‌های انگلیسی مختلف برمیآید سواحل دریایی سرزمین ترکمن‌ها در ویست - سی صد سال اخیر دستخوش تغییراتی گردیده است. بطور مثال دریاچه بالخان به‌مراه جزایر درجا کاملاً از بین رفته و بجای جزایر نفتیان و درویش، شبه جزیره‌های کنونی چلکن قرار گرفته

و بجای کمش تپه کنونی جزایر کمش تپه قرار داشتند * همه اینها بدنبال کاهش تدریجی سطح دریای خزر صورت پذیرفته است * بخش مابقی سرزمین ترکن واو به های آن برای بسیاری از سیاخان کاملاً ناشناخته باقی مانده است .

به همین جهت در بسیاری از نقشه های قدیمی ، محدوده سرزمین ترکمنها ، بصورت طرح و اغلب اشتباه ترسیم شده است ، بطور مثال در نقشه آسیای میانه که در سال ۱۸۱۸ تدوین گردیده رودخانه های بسیاری آورده شده که اساساً وجود خارجی ندارند علاوه بر آن تقریباً عنوان همه مناطق مسکونی وارونه آورده شده است . چنین کمی و کاستی همچنین در نقشه سال ۱۷۴۱ که از سوی ایوان مورایف تدوین گردیده وجود دارد .

با آغاز سالهای ۲۰ قرن ۱۹ برخی از سیاخان روسی و اروپای غربی به عمق سرزمین ترکمنها راه مییابند * آنان اطلاعات ذی قیمتی را راجع به طبیعت و نوع زیست و ساکنین سرزمین ترکمنها برجای گذارده و برخلاف اسلاف خویش ضمن تاکید بر فقر طبیعت محلی ، تصویر مراتب عینی تری را ارائه میدهند .

شکی نیست که بخشی از ترکمنها در محدوده کنونی ایران و بخشی نیز در محدوده روسیه و دیگر کشورها میزیستند * در محدوده ایران گولاکنها دریا لای منطقه رود گرگان ترک و یموتهاد مناطق پایین رودخانه قره سو و در سواحل شرقی دریای خزر اسکان داشتند * رودخانه کوچک قره سو که از سمت استرآباد (گرگان کنونی) بسوی شمال و به دریای خزر جاری بود ، هرگز طبیعتی با غیر ترکمنها محسوب میشد . یکی از رود های نامبرده شده یموتهاد را از فارسها جدا می ساخت که از سوی استرآباد یها این مرز حقیقی شمرده نمیشد . در سمت راست این رود خانه هیچ سکنه فارس زبانی یافت نمیشد . در این منطقه همچنین در نوع خود نواری طرفی به وسعت و فرسح میان یموتهاد و گولاکنها در منطقه گنبد کاووس و در مسیر رود گرم رود قرار داشت * مناسبات خصمانه میان آنها وجود چنین منطقه بیطرفی را ایجاد میکرد . یموتهاد رسمت غرب و گولاکنها رسمت شرق این منطقه میزیستند . بیشترین منطقه تمرکز ترکمنها از بالا و سمت چپ کرانه رود گرگان و همچنین جنوب شرقی کرانه دریای خزر

بود

د رآغاز قرن ۱۹ طایفه گوکلانها از ۱۵ تیره جداانانه زیر عبارت بودند :

یانغاق ، سن گریک ، حار ، شور ، کریک ، بایندور ، قاربالقان ، گرکز ، قای ، —
 قیزیل ، سوورانلی ، ارککلی ، پیتیر ، غیششک ، گوکلانها بر اساس آمار سوده
 (نویسنده روسی) ۹ هزار خانوار را شامل میکردیدند که وقایع گوناگونی این
 رقم را کاهش داد. (اینجا منظور حمله خانهای خیو به زمینهای گوکلانهاست
 که بزور چندین هزار آلاچیق رایبه حیوه انتقال دادند. بخصوص در هنگام حمله
 محمد شاه سال ۱۸۲۶ و مخاطر اعمال بیرحمانه وی بسیاری از خانوادہهای
 گوکلانها را وادار ساختند که داوطلبانه "به خیوه کوچ نمایند" . همه اینها
 به کاهش تعداد گوکلانها تا ۲/۵ هزار آلاچیق انجامیده بوده، بجای ۱۵ —
 تیره طایفه گوکلانها ۹ تیره را عنوان می کنند که این کاهش بنظر میرسد که به
 خاطر کوچهای اجباری گوکلانها به حیوه وهمینطور به عکس بوده است . تعداد
 یموتهای ساکن کرانه دریای خزر سال ۱۸۱۹ به حدود ۱۲۵۰ آلاچیق
 بالغ میگردد. تعداد یموتهای ساحل شرقی دریای خزر در سال ۱۸۲۶
 بالغ بر ۱۸ هزار نفر بود است . برخلاف گوکلانها یموتها به کشاورزان چومور
 (اسکان یافته) و دامداران چاروا تقسیم می گردیدند . در سال ۱۸۷۵
 اتسه بینسکی نوشت : " همه چومورها ۱۶ هزار آلاچیق و چارواها
 ۱۹ هزار آلاچیق را شامل میگرددیدند . منابع آماري راجع به ترکیب یموتهای
 ساکن کرانه دریای خزر همانند پذیرتر کمنها کاملاً " مشروط میباشد . ولسی
 درست ترین آمار میتواند متعلق به کارلینا باشد که بخوبی یموتهای ساکن
 کرانه دریای خزر را میشناخت او میگوید که در سال ۱۸۲۶ در جلسهای در
 حسنقلی شخصیتهای محترمی از ۲۰۷۷۷ آلاچیق یموتها کرد آمدند .
 در میان این آمار یموتهای کوچ نشین ساکن شمال رود اترک و حوالی کوه —
 های بالخان آورده نشده است . بهر حال آنطور که پیداست در باره
 ترکیب و تعداد ترکمنها در این قرنهای آمار درستی را بواسطه وضعیت خاص
 اوضاع سیاسی آنزمان و اوضاع اجتماعی — اقتصادی خود ترکمنها که مجبور
 بودند جهت ادامه زیست دائم تغییر مکان دهند نمیتوان ارائه داد و ایسن

امرد رطی چند دهه گذشته که پروسه اسکان یافتن ترکمنها تقریباً خاتمه یافت
امکان پذیرگشت *

ب) امرکشاورزی در میان ترکمنهای ایران

منابع موجود حاکی از وضعیت کشاورزی ترکمنهای ایران تنهادر قرن ۱۹ امی
باشند. اماشکی نیست که گوگلانها ویموتهاکه دروادی گرگان و اترک ساکن
بودند، در امرکشاورزی مهارت داشتند. همه سیاحان گوگلانها را کشاورزهای
حویبی محسوب نمود و ویموتها را همچون تکه ها به چومورها (۱) و چارواها (۲)
تقسیم مینمایند. اطلاعاتی ارزشی درباره وجود کشاورزی در نزد ترکمنهای
قرن ۱۸ در ادبیات ترکمنی نیز وجود دارد. خانواده مختومقلی که از
گوگلانها میباشد به کارد هقانی اشتغال می ورزیدند و پدروید ریزرگ مختومقلی
روی زمین کشت و کار کرده و ابزارکشاورزی و زینت آلات می ساختند.
پدر مختومقلی (دولت محمد آزادی) در اثر خود "واغزی - آزاد"
به اهمیت کشاورزی تاکید می ورزد:

اکین اکمک حالق امراتگی امیر
یاغنی آندان نفع آلا بایر - پاقییر
یاغنی مزروغلار ایچیند، غاتتایییر
غویما غایلار بیزر آغات بسیه مر
اکین اگکی چرن راغایات ساد هزار
حاصیل آغای بی حسابو - بی شمار

دولت محمد آزادی اولین وظیفه حکام را رشد همه جانبه
کشور میدانست. خود مختومقلی کارزراعت را بسیار میستود:
حاصل امیدی بار اکین اکنه
بوایشلر ماغلومد نر محنت چکنه

در قرن ۱۸ در منطقه بالای رود گرگان و اترک در مناطق کوهستانی که
مختومقلی میزیست کشاورزی دیمی گسترش وسیعی داشت. مختومقلی
اغلب راجع به اهمیت بارانهای بهاره برای کشت که وی آنها را همراهان

کشت و همیاران زمین های زیرکشت (اکینینگ همدی ، یرینک یارانی)
مینامید یاد می کند . شاعریدان اشاره میکند که اگر آسمان باران نیارد
زمین میمیرد . مختومقلی همچنین راجع به کارسخت زارعین در شرایط کم-
آبی چنین میگوید :

میرآپلاری یاپ پویونی سئـرررارلار
دایخانلاری غوری پیری دورلر

همچنین در آثار ذیلیلی که در اواخر قرن ۱۹-۱۸ میلادی در کرانه اتراک
و گرگان میزیست در شعر "واطانئم سنی" شاعر طبیعت پریرکت و مراتع انبوه و
زمین حاصلخیز منطقه خویش را میستاید . ذیلیلی مینویسد که اگر زمین را
بکاری طلا تولید خواهی کرد . فقط لازم است که بسختی روی آن کارکرد
(اکسنگ غیزتل بیتئر کمد یرجپای) . آثار ذیلیلی بجا میگویند که گوکلا نهبا
امرکشا ورزی راباد امداری توام نموده و به چومورها و چارواها تقسیم میگردید
در عین حال چومورها در قاری قالا و چارواها در سرگیز می زیستند . اوستور
دقیق قشربندی گوکلا نهبا را تعیین مینماید : کشاورزان و دامداران .

در قرن ۱۹-۱۸ میلادی کشاورزی یکی از حرفه های اصلی ترکمنهای
ایران بوده است . در آغاز قرن ۱۹ موراویف راجع به کشاورزی حوالی کمش تپه
مینویسد که " در اینجا به امرکشا ورزی اشتغال میورزند و بنظر میرسد که زندگی
خومی دارند . این سیاح روسی خود شاهد باغچه های ترکمنها بود . ترکمنها
زمین را که بسیار حاصلخیز بود با هم شخم میزدند و در عین حال دامداری -
میان آنان بسیار محسوس بود . ساکنین حسنقلی نیز به امرکشا ورزی و دامداری
اشتغال میورزیدند ولی زمینهای زیرکشت آنان کفایت نکرد و آنان کسری
گندم خود را از ایران میخریدند . سیاحان روسی و اروپایی سالهای
۵۰-۳۰ قرن ۱۹ از شرایط مساعد زمین گوکلا نهبا و موهتبا برای کشتهای -
مختلف گواهی میدهند . برزرگان ترکمن به زمینهای ما بین رودخانه های
قره سو ، گرگان و اتراک بخومی میرسیدند . گاه بیش از ۵۰ برابر غله کشتند و
گندم بدست میآمد . در اینجا غله بسیار زیادی بدست میآمد و آنان برنج

پنبه، ارزن خریزه و هندوانه و خیاررا زیرکشت برده و محصول زیادی نیز بدست می آوردند آنان علاوه بر این در باغچه های خود پیاز سیروخیسار کشت میکردند که این امرحاکمی از رشد کشاورزی در نزد گوللانها و یموتها میباشد. یموتهای چوموری که در کرانه گرگان و سمت راست رود خانه قره سو میزیستند همچنین دارای زمین های پنبه، برنج و باغچه خود بود و زندگی اسکان یافته ای داشتند. در مناطق بالای رود اترک و کرگان جنگلهایی وجود داشته که در آنجا انگور، آلبالو، انار، میوه های بوته ای، توت، آلو هلو و غیره بعمل می آمد. در عین حال در حوالی روستاهای ترکمنهاد رخت توت بفرآوری یافت میشد.

گوللانها از قدیمیترین کشاورزان حوالسی اترک و کرگان بودند و نابه نظریود، انسان کشاورزان قابلی بودند. امرتوت کاری در نزد گوللانها رشد محسوسی داشت. زمینها گوللانها بخوبی آباد شد و پوشیده از برنج، پنبه و دیگر محصولات بود همچنین زمینهای زیادی زیرکشت جو، گندم، کنجد و ارزن بود که آنان اسبهای خود را نیز بوسیله آن تغذیه میکردند.

در قرن ۱۸-۱۹ میلادی در کرانه های اترک و کرگان علاوه بر کشت غله و باغچه ای، همچنین آنطورکه پیداست توت کاری و تولید برنج و کنجد رونق وسیعی داشت. در اینجاکمی پنبه کاشته میشد که به مصرف شخصی میرسید در این مناطق آنطورکه ذالکین مینویسد، گندمی که بعمل می آمد، نتنهابه مصرف ترکمنهای بومی میرسید، بلکه آنان مایحتاج اهالی سا قارابوغاز و کوچ نشینان بالخان را تامین مینمودند و مازاد محصول خود را در ایران ^{بفروش} رسانده و بجای آن احتیاجات خود را خریداری مینمودند. همینها حاکمی از نقش مهم کرانه رود گرگان در زندگی ترکمنهای ایران بوده است و تصور اینکه گویا گندم ترکمنها برای خود اهالی کفایت نکرده و آنان کاملاً وابسته به حیوه و... بودند نادرست است. البته نمیتوان نقش تجارت ترکمنها را رابا حیوه و... انکار کرد که در بازارها آنان گندم خریداری کرده و دام و دیگر مازاد مازاد تولیدی پیشه وری خود، نفت و نمک میفروختند. در این ایام ترکمنها بخشی از محصولات کشاورزی خود را به حیوه صادر می کردند. تجارت طوایف

ترکمن (آتا) ،گندم را از ترکمنها خریداری نمود و آن را به حوالی اترک و دورتر میان ییوتهای چاروا و تکه‌ها بفروش میرساندند در سالهای پرمحصول مازاد گندم ترکمنهای اترک و کرکان در حوالی دریای خزر و میان ترکمنهای بالخان و همچنین ایران بفروش میرسید و ییوتهای کوچ نشین (چارواها) نیز که دارای زمینهای گندم در جنوب رود اترک بودند در هنگام جمع آوری محصول بدانجا آمده و پس از جمع آوری دوباره باز میگشتند و دامداران از پرداخت مالیات به فرماندهی استرآباد (گرگان امروز) به هر صورت خودداری میورزیدند و برای همین در هنگام فصل درو و جمع آوری محصول آنان تمامی نیروهای خود را بسیج مینمودند که در اسرع وقت محصول را جمع آوری نموده به محل های خود بازگردند و فرماندهی استرآباد بخصوص در ایام فصل درو مالیات جمع کن ها را به همراه ارتش به این مناطق ارسال میداشت همانطور که "بوده" می نویسد "برای آنکه حاکمیت ایران بتواند بیشترین مالیات را از چاروادارها بگیرد ، در هنگام درو بدانجا نیرو فرستاده و چاروادارها هم بیشترین تلاش خود را میکردند که در کوتاهترین زمان محصول را جمع آوری کرده و به محل های خود بازگردند" و برای این امر آنان از اسب، گاو میش، خر و حتی شتر استفاده میکردند که هر چه سریعتر محصول را جمع آوری نمایند و کارهای پاییزه معمولاً یکماه طول می کشید ولی بخاطر وضعیت دشوار فوق ، ترکمنهای چاروا این کار را در ۱۵ او حتی ۱۲ روزیه تمام میرساندند و دامدارانی که در حوالی اترک و کرکان زندگی می کردند ، گندم را همانند چومورها برای کشت شخصی خود بعمل می آوردند نه برای فروش .

بدین ترتیب در قرن ۱۹ در میان توکمنهای ایران ، با وجود تقسیم کار در امر محصولات کشاورزی و دامداری ، این دوررشته تواما وجود داشته است . دامداران در صورت وجود کمترین امکان تلاش مینمودند که غله خود را تا مینمایند و برای همین جهت مایحتاج شخصی خود گندم کشت میکردند . کشاورزان ساکن نه تنها محصولات کشاورزی را به استفاده شخصی میرساندند بلکه در سالهای پرمحصول آن را مورد مبادله قرار داد و مازاد آن را بفروش

میرساندند. کولانها هیچوقت زمین را خالی رها نمیکردند و هر سال محصولی را بنویسند کشت میکردند. سال اول گندم، سال دوم ماش، سپس کتجد و یا جو در رساں آحر بنه، این ترتیبی بود که آنان از زمین بهره برداری میکردند، زمین در این مناطق بسیار حاصلخیز بود، بطوریکه در سالهای پر محصول یک باتمان غله، خروارها غله میداد.

در قرن ۱۹ در میان ترکمنهای ایران امر باغچه کاری نیز رشد زیادی داشت خریزه ای که در نزدیکی کتبد کاوس بعمل میآمد از خریزه های چارچوکم نبود، در جزایر آشوراده، باغچه های وسیع سرسبز و هندوانه وجود داشت. در امرکشاورزی ترکمنها وسیعاً از کود استفاده می کردند. بطوریکه محتومقلی نیز روی مفید بودن کود در اشعار خود اشاره می کند:

کیمیانی توپراغا سچسنگه توپراغان زرباهیمادر
هرنرسنی یره سچسنگه سپدیکنگه یرباهیم ادر

یموتها چون دیگر ترکمنهای ایران غله خود را در محلهایی که به "اوری" معروفند نگه داری میکردند. بوده، چنین تصویری را از "اوری" ارائه میدهند: در مسیر راه ماشاهد چاههای وسیع و عمیقی بودیم که ترکمنها در زمستان غله خود را در آن نگه داری میکردند. ترکمنها "اوری" را با حاشاک پوشانده و بالای آن کمی خاک می ریختند، بطوریکه با چشم قابل رویت نبود. چنین شیوه نگه داری غله بخاطر هراس از لشکرکشی ارتش ایران بود. هاست که با هجوم به ترکمنها، ذخائر غله آنان را نابود می ساختند. شیوه نگه داری غله در "اوری" نه تنها در میان ترکمنها، بلکه در آسیای میانه نیز وسیعاً بکار برده می شد.

ترکمنهای ساکن جنوب غربی دریای خزر و بخصوص ساکنین کرانه های رود گرگان و قره سویلا واسطه با حکام شمالی ایران در ارتباط بودند. بخش از یموتها و کولانهای ساکن این منطقه تابع شاه ایران بودند و این بخش از ترکمنها به کارکشاورزی اشتغال داشتند ازیک شرایط نسبی زیست برخوردار بودند ولی بجای آن بخش دیگری از یموتها و کولانها همواره از روابط — خصوصاً آمیز میان طوایف و حمله ارتش ایران در آزار بودند. فقدان دولت

خویش و توافق میان یموتها و گوکلانها ، نقش منفی در امر رشد اقتصاد کشاورزی آنان ایفا نمود . تاجری بنام لادایف در سفری که به سرزمین ترکمنها (ترکمنهای مقیم ایران) داشت میگوید " یموتهای چاروا آماده - گذار به اسکان می باشند ولی این را بعلمت نبود نظم دهند های در میان خود که نظم و ترتیب را میان آنان برقرار نماید ، نمیتوانند انجام دهند " بوده در مورد گوکلانها و یموتها مینویسد که . بسیاری از آنان مخالف کشاورزی - برد سرورآرام نیستند اما همه این تمایلات نیک این مردم صلح جو و خوش نیت تا وقتی که میان آنان یک حاکمیت متمرکز که عدالت و برابری را برقرار نماید وجود نداشته باشد ، بجایی نمی رسد . سرنوشت اقتصاد کشاورزی گوکلانها و یموتها ، با امراض سیاسی در میان ترکمنهای ایران پیوند داشت در زمان نادرشاه و پس از از میان رفتن امپراطوری او ، منطقه حوالی اترک ورود گرگان همواره موضوع فارت و حملات متوالی بوده است . چنین وضعیتی در ایام سلطنت قاجاریه نیز همچنان ادامه یافت که همه اینها تاثیرات بازدارنده ای را در مقابل رشد کشاورزی ترکمنهای ایران و در رد او عقب ماندگی محسوس آنان برجای نهاد . مجموعه همه این عوامل در سطح رشد زندگی اجتماعی - اقتصادی ترکمنها عواقب منفی بدنبال داشت .

۱- ترکمنهای چوموراطلاق به ترکمنهایی میگردد که اشتغال اصلی آنان را کشاورزی تشکیل داده ، در عین حال دامداری نیز مینمودند آنان برخلاف چارواها (مالدارها) عمدتاً در یک جا اسکان داشتند .
۲- ترکمنهای چاروااطلاق به ترکمنهایی میگردد که اشتغال اصلی آنان را دامداری تشکیل داده و در عین حال تکه زمینهایی را نیز که عمدتاً جهت مصرف شخصی بکار می رفتند صاحب بودند . آنان برخلاف چومورها کمتر در یک جا اسکان داشتند .

”فارسی شکر است“ اما...

سیاسی و اقتصادی را نسبت به خلقهای آذربایجانی، کرد، عرب بلوچ، و ترکمن روا داشته و زبان این خلقها را تنها ”لهجه‌هایی“ از زبان فارسی محسوب می‌داشت، و امروز رژیم جمهوری اسلامی همان سیاستها را زیر پوشش ”اسلام“ و ”احیا فرهنگ اسلامی“ بر خلقهای میهنمان تحمیل نموده، آنان را به وحشیانه‌ترین وجهی مورد سرکوب قرار میدهد.

مادراین نوشته درعین پاسخ به مقاله مذکور، تلاش خواهیم نمود، نقطه نظرات خود را پیرامون زبان فارسی و رابطه آن با زبان اقلیتهای ملی و شرط شکوفایی فرهنگ و اقتصاد خلقهای میهنمان طرح نسائیم.

اما قبل از همه ذکر این نکته ضروری است که اگر مادرنوشته خود به ”شوونیسیم فارس“ و واژه‌هایی از این دست اشاره می‌کنیم، قصد ما به هیچ وجه توغین ویا تحقیر خلق فارس نمی‌باشد و حساب زحمتکشان خلق

نشریه آدینه شماره ۱۵، اول مرداد ۱۳۶۶، مطلبی راتحت عنوان ”زبان فارسی وتوسعه ملی“ به قلم چنگیز پهلوان درج نموده است که به لحاظ مضمون پان فارسیستی آن وسخنانسی که پیرامون زبان فارسی ورباطه آن با رشد فرهنگ واقتصادکشورمان طرح نموده، جادارد که کمی روی آن مکت و تامل صورت پذیرد.

مضامین این مقاله برای خلقهای کشورمان پدیده نوونآشنایی نیست وآنان هنوزسیاستهای ضد خلقی وشوونستی رژیم پهلوی وخروارها نوشته شوونستهای جیره خوارد ریسار رابیاددارند. رژیم پهلوی نیزدقیقا به بهانه احیایزبان فارسی و حفظ و پاسداری میراثایران زمین به تحقیر زبان وآداب ورسوم وفرهنگ اقلیتهای ملی می‌پرداخت.

دیروز محمد رضا شاه با سیاست شوونستی عظمت طلبانه خویش که با نفی کامل وجود خلقهای متنوع در ایران همراه بود، روش تبعیض

چه بخواید و چه نخواهد، در کشور ما ایران غیر از خلق فارس، دیگر ملیت‌ها و اقوام و گروه‌های نژادی هستند که سالهاست در کنار یکدیگر بسر برده هر یک از آنان دارای آداب و رسوم و فرهنگ و تاریخ گذشته و از جمله زبان خاص خود جدا از زبان فارسی می باشند که مجموعه این عوامل به همراه سرزمین مشخص و شکل پایدار حیات اقتصادی و برخی خصائل فرهنگی و روحیات اجتماعی آنان را به مثابه ملل جداگانه از یکدیگر متمایز میسازد. روی این اصل زبان فارسی برخلاف آنچه که نویسندگان نگاشته است تنها زبان همه ایرانیان بشمار نمی آید.

از سوی دیگر نگارنده فوق با استفاده از جریاناتی که به زبانهای ملی تاکید میورزند نتیجه میگیرد که این گونه تفکر گویا به جدائی های فرهنگی در کشور دامن زده و این بینش به نابرابریهای اجتماعی می انجامد! ما نمیدانیم جناب نویسنده، وجود نابرابریهای عمیق اجتماعی را در کشورهای سرمایه داری که در ضمن از وجود اقلیت های ملی نیز در آنها خبری نیست، چگونه ارزیابی میکند؟

فارس از طبقات حاکم استثمارگر کاملاً جداست. برای این اساس، خلق فارس را خلقی برادر و همچون دیگر خلقهای میهنمان جز گسست ناپذیر روند انقلابی کشورمان در راه سرنگونی ج ۱۰، برقراری صلح، د مکرسی و عدالت اجتماعی میدانیم.

نویسنده مقاله مذکور در سطور اول مقاله خویش اشاره می کند که "پس از شهریور بیست، کسانی و گروههایی از ایران، زبان فارسی را به عنوان زبان همه ایرانیان طرد کردند و سخن از ستم فارسی زبانان راندند و خواستار استقرار زبانهای قومی و منطقه ای در کشور ما شدند" (ص ۸ نشریه) و در ادامه نتیجه میگیرد که "این جریانها با تاکید بر زبانهای محلی نه تنها به جدایی های فرهنگی در درون کشور دامن میزنند و تفاهم فرهنگی در سطح گسترده ملی را ناممکن میسازند، بلکه راه را بر پیشرفت ملی می بندند و سر خلاف ادعایشان نابرابریهای اجتماعی را به دلایلی که آورده خواهد شد فزونی میبخشند." (همانجا)

(تاکیدات از ما)

برای پاسخ به این امر قبل از همه باید بگوئیم که نگارنده مقاله مذکور

مگر نه اینست که آقای نویسند ه زیر پوشش چنین عبارتی به دفاع از نظام غارتگرانه حاکم برخاسته و میخواهد با عنوان کردن این امر که صحبت از زبان مادری، نامی جز تجزیه طلبی وجدائی از کشورراندان دارد، سرکوب خلق ها و سیاست های بغایت ضد خلقی رژیم ج ۱۰ را مورد توجیه قرار دهد؟ زبان فارسی نه زبان همه ایرانیان، بلکه وسیله پیوند و معاشرت میان خلق های کشورمان بوده و از این بابت نقش جدی مهمی دارد. اما همه ایرانیان را "فارس" دانستن اگر نشانه جهلی

مفراط نباشد، نشانه تعصب کبیله و شوونیستی است. خواندن و نوشتن تحصیل بزبان مادری، نه تنها حقوقی و سیاسی هر یک از ملیتها، بلکه حق انسانی آنان است. علل وجود نابرابریهای اجتماعی رانه در تکلم بزبان مادری بلکه سیایست در یطن خود مناسبات اجتماعی - اقتصادی حاکم بر کشورها یافت.

نویسند ه که خود را استقلال طلب و مدافع تمامیت ارضی کشور معرفی می نماید. این را در نظر نگرفته که تلاش در جهت "فارسی کردن" تمامی عرصه های محیط اجتماعی کشور ما خود از جمله عوامل ایجاد تفرقه و

نفاق میان خلق های کشورمان است. مگر امروز در شرایط رژیم ج ۱۰ تحصیل بزبان فارسی برای همه اقلیت های ملی کشورمان اجباری نیست؟ و یا آنطور که وی طرح میکند زبان فارسی بالا جبار "زبان همگانی" همه مردم نشده است؟ در آن صورت او به کدام مورد از شکوفایی و رشد استعداد ها در میان اقلیت های ملی میتواند اشاره کند؟ و اساسا این برابری اجتماعی مد نظر نویسند ه در کدام عرصه از حیثیات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشورمان نمود دارد؟

هنوز هم بسیاری از ترکمن ها و سا یس اقلیت های ملی صرفا بخاطر تعلقا ت ملی خویش از ادارات دولتی اخراج و یا حداقل تنزل مقام داده میشوند، هنوز هم در امر تصویب و اجرای پروژه های عمرانی کشور، سهم مناطق ملی بسیار ناچیز است و صد ها مورد دیگر. آنوقت چگونه میتوان تحت این وضعیت موجود صحبت از برابری اجتماعی و یا آنطور که نویسند ه مینویسد "اگریدی بوده برای واگر خوبی وجود داشته برای همه بوده است" (ص ۹ همانجا) سخن بمیان آورد.

جناب نویسند ه حق دارد که چنین

تخیلاتی را بروی کاغذ بیاورد زیرا خود وی افزود، چرا آقای نویسنده از این زاویه
 از روزی که چشم بر جهان کشود، هیچ مسئله را طرح نمیکند که می توان آن
 وقت از بابت زبان، سخن گفتن و تحصیل چنان امکانی را برای دانش آموزیلوچی
 د چار مشکلی نبوده و هیچ وقت همچون که بزبان مادریش تحصیل مینماید
 دانش آموز ترکمن یا کرد و بلوچ و ۰۰۰ با فراهم آورد که بتواند به لحاظ کسب
 کلمات و جملات غیر از زبان مادری اش دانش همطراز یاد یگرد انش آموزان کشور
 روبرو نگردد و هیچ وقت با رویی قرار گیرد؟ تاکید بر آموزش و فراگیری
 شرمسار و تحقیر شده، ناتوان از بیان دستاورد های بشری بزبان مادری
 سخنان خود از ادارات و ارگانهای "پاره پاره کردن" امکانات آموزشی
 د ولتی رانده نشده است. نیست. این امر بهترین شیوه و
 اگر ما دیگر جریانه های انقلابی کونا هترین وی در دترین راه د انتقال
 شعارهایی مبنی بر حق خواندن و تجارب و کسب دانش و مناسبترین شیوه
 نوشتن و تحصیل بزبان مادری را برای د رمحویسواد ی و ارتقا سطح دانش
 اقلیت های ملی کشورمان طرح کنیم، و آگاهی و نزدیکی خلق های میهن ما
 این رانه به معنی نفی زبان فارسی، است. تجربه نشان داده است که تنها
 بلکه در پیوند منطقی با آن، عامل مهمی دقت فراوان به علائق ملت های مختلف
 میدانیم در ارتقا دانش و رشد و شکوفایی می تواند زمینه را برای از میان برداشتن
 فرهنگ ملی خلق ها. برخورد ها وی اعتماد ی متقابل بوجود
 دستاورد های بشری در عرصه علم آورده و اعتماد متقابل را در بین
 و تکنیک و دانش وقتی می تواند موجود زحمتکشانی که بزبانهای مختلف سخن
 استفاده شمر بخش توده ها قرار گیرد که می گویند ایجاد و تقویت نماید.
 برای آنان مضمون آن قابل درک باشد جناب نویسنده جا داشت بجای
 این امر بگمان ما اگر برای دانش آموز تحریف، حداقل مضمون شعار و تجربه
 فرانسوی بزبان فرانسه و برای دانش د دیگر کشورها را در این رابطه مورد بررسی
 آموزش فارس بزبان فارسی و برای دانش عمیق (نه سطحی و گذرا) و همه جانبه
 آموزش ترکمن بزبان ترکمنی باشد، بالطبع قرار میداد. طرح این شعار از جانب
 بریازدهی کاره میزان زیاده خواهد ما از تجاری الهام میگیرد، که علم معاصر

حقانیت آن رابه اثبات رسانده است .
 مابه هیچ وجه برآن نیستیم کسه
 اقلیت های ملی کشورمان فراگیری
 زبان فارسی را کلا بکنار گذاشته و تنها
 برآموزش بزبان مادری حویثش بپردازد
 این هم شکل دیگری از انحراف در عرصه
 مناسبات ملی است . آموزش زبان فارسی
 برای اقلیت های میهن مان نه بلافاصله
 بلکه می بایست بتدریج و در حدی از
 سطح رشد ذهنی فرد صورت پذیرد کسه
 وی نه تنها توانائی فراگیری بلکه هضم و درک
 موضوعات را نیز تا حد معین کسب نموده
 باشد . تلفیق ایندو گونه ای که یکی
 عاملی باشد در تسریع و تعمیق دیگری و
 در واقع یکی مکمل دیگری باشد ، آن
 درکی است که ما از خواندن و نوشتن در
 امر تحصیل بزبان مادری ارائه می دهیم
 در این رابطه تجربه دیگر کشورها و همان
 طور که خود نویسند ه بدان اشاره
 نموده تجربه کشور اتحاد شوروی
 بسیار ذیقیمت و حائز اهمیت می باشد .
 از آنجاکه آقا ف نویسنده تحصیل بزبان
 مادری را در اتحاد شوروی بیاد انتقاد
 گرفته برای نشان دادن واقعیت
 امر توجه نویسند ه رابه نمونه های زیر
 در رابطه با ترکمنستان شوروی جلب
 می کنیم :

د ترکمنستان شوروی تا قبل از
 انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ حد و ۹۸ درصد
 مردم فاقد سواد خواندن و نوشتن بودند
 ولی با اقدامات حاکمیت شوروی سپس
 از انقلاب در قبایل اقلیت های ملی
 در کشور ، در تمامی عرصه های حیات
 سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ،
 سیمای ملیت های مختلف منجمله
 ترکمنستان ، تغییر نیادی یافت کسه
 امروزه هیچ وجه قابل قیاس با آن
 وضعیت گذشته نیست . امر بیسوادی
 در این جمهوری سالهاست که ریشه کن
 گردیده است . اگر در سال ۱۹۳۹ ،
 از هر ۱۰۰۰ نفر ، ۷۸ تن دارای
 تحصیلات متوسطه بودند ، این
 رقم به همان نسبت ۱۰۰۰ نفر در
 سال ۱۹۸۶ ، بالغ بر ۹۰۲ نفر گردیده
 است . اگر تعداد کادرهای علمی به
 سال ۱۹۶۰ بالغ بر ۱۸۳۶ نفر بوده ،
 این میزان بسال ۱۹۸۶ ، به ۶۷۰۵۴
 نفر ارتقا یافته و غالب است که حد و
 ۲۱۶۴ نفر از اینان رازنان تشکیل
 می دهند که در میان آنان از جمله
 ۱۶ پروفیسور ، ۲۲ دکتر علوم ، و ۱۱۱
 نامزد دکترای علوم وجود دارند . در
 حال حاضر در ترکمنستان شوروی حد و
 ۱۱۳۸۲ پزشک وجود دارد که ۶۷۶۲

نفرات آنان رازنان تشکیل می دهند و در ریایتخت حد و دانیم میلیونی ایسن جمهوری، ۶۴ بیمارستان وجود دارد و بالاخره در ترکمنستان شوروی سالانه ۱۱/۱ میلیون نسخه مجله و ۱۴/۹ میلیون نسخه روزنامه با عناوین مختلف بزبانهای ترکمنی و روسی چاپ میگردد ۱۰ اگر بخوانیم همپهراين آمار تعداد معلمان، دانشجوها و دانش آموزان و فارغ التحصیلان دانش گاهها و مدارس و دانشگاههای ترکمن و روسی و کلوپها و اردوگاههای استراحت کودکان و بزرگسالان ۱۰۰ را بيفزائيم تحريفات و درك يكجانبه آقای نویسنده از واقعیت های موجود بیشتر و بیشتر آشکار خواهد گردید ۱۰ اما برخلاف این روند در نظام ج ۱۰ که همه هم بزبان فارسی تحصیل مینمایند و سخنی هم از زبان اقلیت های ملی در کار نیست، ما با آمار های دیگری روبرو هستیم ۱۰ در سال تحصیلی ۶۱ - ۶۰ اشتغال به تحصیل در دوره ابتدائی، در کل کشور ۷۷/۷ درصد افراد لازم التعلیم بوده است ۱۰ به بیان دیگر از هر ۱۰۰ کودک ۶ تا ۱۱ ساله، حد و ۲۲ کودک از تحصیل محروم بودند ۱۰ در دوره راهنمایی فقط ۷/۵۶ درصد، در دوره متوسطه حد و ۲/۲۲ درصد جمعیت

آماده به تحصیل به مدرسه میرفتند ۱۰ این روند در سال های بعد نیز ادامه یافت ۱۰ در حال حاضر ۲۰ تا ۳۳ درصد کودکان شهری در سن تحصیلی از امکان رفتن به مدرسه محرومند و برابر آمار رسمی در سال ۱۳۶۳ حد و ۵ میلیون کودک ۶ - ۱۳ ساله به مدرسه راه نیافته اند ۱۰ این وضع در روستاها و مناطق ملی کشورمان همچون ترکمن صحرا، میراتسب است که رژیم ج ۱۰ برای خلق ها و زحمتکشان میهن مان تا به امروزه از مرغان آورده است ۱۰

آقای نویسنده خوب است کمی از عالم تخیلات به عالم واقعیات روی آورده و به این فاکتها و آمارهایی که پیرامون ترکمنستان شوروی آوردیم توجه کرده و روی این جملات خود که می نویسد "اگر کشور بخواد در این روزگار پیچیده و مغبرنج نیروی خود را بپراکند و هر یکش از مردم خود را تسلیم زبان محلی بکند، سرانجام از قافله تمدن باز خواهد ماند و در پهنای جهان حالت محلی خواهد شد برای جهان گردان" (ص ۱۱ همانجا) کمی بیندیشده آمارهای یاد شده در باره

ترکمنستان شوروی تنهاد رسایسه
 د رگ درست از تلفی زیان ترکمنی
 وروسر وشناخت ویزگی های ملی
 این خلق بدست آمده واین امر نه
 تنها برخلاف نظر آقای نویسنده به
 جدائی فرهنگی و ملی و عقب ماندگی
 آن نیانجامیده بلکه خلق ترکمن هم
 چون دیگر خلق های اتحاد شوروی
 از حقوقی برابر رتعمای عرصه های
 اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی
 برخوردار بوده و وقایع موجود حاکی از
 نزدیکی و تحکیم بیش از پیش خلق های
 اتحاد شوروی میباشند و این خلق هم
 چون دیگر خلق ها بطور مثال دارای ۳۲
 نماینده شورای عالی اتحاد شوروی
 می باشد.

ورسوم و فرهنگ وزیان آن خلق بدست
 آورد. • علل نابرابری های اجتماعی
 ریشه در مناسبات اجتماعی - اقتصادی
 خود جامعه دارد و تأمین برابری اجتماعی
 در جامعه با وجود طبقات استثمارگر
 ناممکن است و این امر هیچ گونه ربطی
 به زبان این یا آن خلق ندارد بلکه تحمیل
 یک زبان در جامعه دقیقاً جزئی از همان
 سیاست استثمارگرانه و شوونیستی است
 که در یاد امرنه تنها توانایی از میان
 برداشتن نابرابریهای اجتماعی را
 نمی تواند داشته باشد، بلکه خود عامل
 مهمی در ایجاد تفرقه و نفاق و جدائی
 خلقها از یکدیگر است.

آمار مربوط به ترکمنستان شوروی از
 کتاب "اقتصاد ملی ترکمنستان در ۷۰
 سال" استخراج شده است.

برابری اجتماعی و شکوفائی فرهنگ
 یک خلق را نمی توان با حذف آب



بقیه از صفحه ۲۵

مصرف دارد .

حکومتی که همه هستی کتسر رابه کام جنگ ریخته ، نمیخواهد ونمی تواند به فکر آینده کسور و خود کفایی واقعی باشد .
 و حکومتی که صد ها هزار جران را در تنور جنگ سوزانده برای زندگی پر رنج و درد دامداران ارزشی قائل نیست و نمیتواند به فکر آنها باشد . چنین حکومتی را فقط باید سرنگون کرد .



و سیاستهای مخرب آن در مقابل مسائل کشاورزی که با دامداری ارتباط ناکستی دارد ، روز بروز دامداران کوچک را به ورطه ورشکستگی میکشد .
 در ادامه این سیاستهاست که از سال ۶۱ تا کنون واردات گوشت کشور حدود ۷۰٪ افزایش یافته است . در صورتیکه تنها ترکمن صحرا میتواند با اتخاذ سیاستهای اصولی علاوه بر منطقه ، گوشت برخی از استانهای مجاور را هم تامین نماید .
 عدم حمایت دولت از دامداران و بویژه دامداران کوچک ، نشان میدهد که شعار "خید کفائی" حکومت آخوند ها فقط یک "شعار" است و تنها در خدمت عوام فریبی



سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا !
خوانندگان گرامی ایل گویجی !

برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویجی با ما مکاتبه کنید .
پیشنهادها ، نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید .
مقاله ، شعر ، خبر ، عکس ، داستان ، طرح ، ترجمه ، منوگرافی
از روستاها ، گزارش از وضع زندگی اقشار گوناگون مردم و
مشکلات آنها و هر مطلب دیگر در رابطه با زندگی و مبارزه خلق
ترکمن را برای ما بفرستید .
از هرگونه همکاری با ایل گویجی دریغ نکنید .

ایل گویجی را وسیعاً پخش کنید و به علاقمندان برسانید !

H. D.
Postfach 106463
2800 Bremen
W. Germany

آدرس پستی :

www.iran-archive.com

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
